949 ـ چه هنگام محبت الله باعث نجات انسان از جهنم می‌شود؟

سوال

آیا کسی که خداوند را دوست دارد وارد آتش جهنم خواهد شد؟ بسیاری از کافران از جمله یهودیان و نصرانیان هستند که خداوند را دوست دارند و همینطور مسلمان فاسق و گناهکار که الله را دوست دارد و هرگز نمی‌گوید که پروردگارش را دوست ندارد. این مساله را توضیح می‌دهید؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

ابن قیم ـ رحمه الله ـ در توضیح این مساله می‌گوید:

اینجا چهار نوع محبت وجود دارد که باید میان آنها فرق گذاشت و کسانی که دچار گمراهی شده‌اند به سبب عدم تفاوت میان این انواع گمراه شده‌اند:

نخست: محبت الله. این به تنهایی برای نجات از خداوند و عذابش و به دست آوردن پاداش او کافی نیست، چرا که مشرکان و صلیب‌پرستان و یهودیان و دیگران نیز خداوند را دوست دارند.

دوم: محبت آنچه خداوند دوست دارد و این است که بنده را وارد اسلام کرده و از کفر خارج می‌سازد. محبوبترین مردم نزد الله کسانی هستند که بیشتر به این محبت پایبندند و در مورد آن قوی‌ترند.

سوم: محبت در راه الله که این از لوازم محبت آنچه الله دوست می‌دارد است و دوست داشتن آنچه الله دوست می‌دارد به استقامت نمی‌آید مگر با دوست داشتن در راه الله و برای الله.

چهارم: دوست داشتن همراه با الله، که این محبتی است شرک‌آمیز و هر کس چیزی را همراه با الله دوست داشتن باشد نه برای الله و نه به خاطر الله، او را همتایی برای الله قرار داده که این محبت مشرکان است.

نوع پنجمی هم هست که مربوط به بحث ما نیست و آن محبت طبیعی و گرایش انسان به چیزی است که باب میل اوست مانند دوست داشتن آب برای انسان تشنه و غذا برای گرسنه و محبت خواب و همسر و فرزند که این مورد نکوهش نیست مگر آنکه انسان را از یاد الله و محبت او مشغول سازد، چنانکه الله تعالی می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ [منافقون: ۹]

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموالتان و فرزندانتان شما را از یاد الله غافل نگرداند)

و می‌فرماید:

رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ [نور: ۳۷]

(مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد الله به خود مشغول نمی‌دارد).

الجواب الکافی (۱/ ۱۳۴).

وی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

و تفاوت میان دوستی در راه الله و دوست داشتن همراه با الله که از مهم‌ترین تفاوت‌ها است و هر کس نیازمند و بلکه مجبور به فرق گذاشتن میان این دو است، چراکه دوست داشتن در راه الله از کمال ایمان است و دوست داشتن همراه با الله عین شرک است و تفاوت بین این دو این است که دوستدار در دوستی برای الله تابع محبت الله است و اگر محبت او قلب را به تسخیر در آورد موجب آن محبت می‌شود که آنچه را الله دوست می‌ٔدارد، دوست بدارد. پس هرگاه آنچه را پروردگارش و ولی‌اش دوست دارند، دوست بدارد این حب به خاطر او و برای او بوده چنانکه رسولان و پیامبران و ملائکه و اولیاش دوست می‌دارند آنگونه که الله تعالی آنان را دوست می‌دارد و کسانی را که آنان را دوست نمی‌دارند دوست نمی‌دارد. نشانه‌ی این محبت و بغض برای الله این است که تنفرش از آنکه الله دوست نمی‌دارد به سبب احسان او و خدمتش برای او و قضای نیازهایش به محبت بدل نمی‌شود و محبتش به آنکه الله دوست می‌دارد اگر از جهت او چیزی ناخوشایند و دردناک از روی خطا یا عمد و از تاویلی که بنابر اطاعت الله یا اجتهاد یا بغی و سرکشی که پس از آن توبه کند به وی رسد، تبدیل به نفرت نمی‌شود.

و همه‌ی دین بر چهار اساس حب و بغض می‌چرخد و بر این دو، هم فعل و هم ترک تعلق می‌گیرد پس هرکه حب و بغض و فعل و ترکش برای الله باشد ایمان را کامل ساخته به طوری که اگر دوست بدارد برای الله دوست می‌دارد و اگر دوست ندارد برای الله دوست نمی‌دارد و اگر انجام دهد برای الله انجام می‌دهد و اگر ترک گوید برای الله ترک می‌گوید و هرچه از این چهار مورد کم شود به اندازه‌ی آن از ایمان و دینش کم می‌شود.

و این به خلاف دوست داشتن همراه با الله است که بر دو نوع است: نوعی در اساس توحید مشکل ایجا می‌کند و آن شرک است. و نوعی که در کمال اخلاص و محبت الله مشکل ایجاد می‌کند اما او را از دین خارج نمی‌سازد.

اولی مانند محبتی است که مشرکان برای بت‌های خود داشتند. الله تعالی می‌فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللّهِ [بقره: ۱۶۵]

(و برخی از مردم در برابر الله همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند و آنها را چون دوستی الله دوست می‌دارند).

و این مشرکان بت‌ها و مجسمه‌ها و خدایان خود را همراه با الله چنان دوست می‌دارند که الله را دوست می‌دارند که این محبت، محبت خدایی و موالاتی است که در پی آن ترس و امید و عبادت و دعا است و این محبت شرک محضی است که الله آن را نمیامرزد و ایمان کامل نمی‌شود مگر با دشمنی این همتاها و نفرت شدید از آن و اهل آن و معادات و جنگ با آنان، و الله همه‌ی پیامبرانش را برای همین فرستاده و همه‌ی کتابهایشان را برای همین نازل کرده و آتش را برای اهل این محبت شرک‌آمیز آفریده و بهشت را برای کسانی خلق نموده که با اهل این شرک بجنگند و در راه خشنودی او با آنان دشمنی ورزند، زیرا هر کس چیزی را از عرش تا زمین [به جز الله] عبادت کند به جز الله خدا و ولی برگرفته و شرک ورزیده و تفاوتی ندارد آن معبود چه باشد و باید از وی تبری جوید...

نوع دوم: محبت چیزی است که خداوند در درون انسان آراسته مانند زنان و فرزندان و طلا و نقره و اسبان نشاندار و دام و کشت که آن را از روی شهوت دوست دارد مانند دوست داشتن غذا برای گرسنه و آب برای تشنه، پس محبت بر سه نوع است:

اگر آن را برای الله دوست بدارد که با آن به الله برسد و برای خشنودی و طاعتش از آن بهره گیرد به سببش اجر می‌برد و از نوع دوست داشتن برای الله و برای رسیدن به او خواهد بود که از آن لذت خواهد برد و این حال کامل‌ترین خلق (محمد صلی الله علیه وسلم) است که از دنیا زنان و عطر برایش محبوب قرار داده شده بود و محبتش برای این دو کمکی بود برای محبت الله و رساندن رسالتش و انجام امر او.

و اگر آن را برای موافقت طبع و دلخواه و اراده‌اش دوست بدارد و آن را بر آنچه الله دوست می‌دارد و بدان خشنود است ترجیح ندهد بلکه به حکم میل طبیعی به دستش آورد اینجا از نوع مباحات خواهد بود که برای آن مجازات نمی‌شود، اما از کمال محبتش به خاطر الله و برای او کم می‌شود.

و اگر این چیز هدف و مراد او باشد و همه‌ی تلاشش در راه به دست آوردنش صرف شود و آن را بر آنچه الله دوست می‌دارد و بدان خشنود است ترجیح دهد، در این حال در حق خود ستم ورزیده و پیرو هوای نفس خود شده است.

اولی محبت سابقین است و دومی محبت مقتصدین است و سومی محبت ظالمین.

(الروح ابن قیم: ۱/ ۲۵۴).

و صلی الله علیه نبینا محمد، و الله تعالی داناتر است.